



▼ محمود واعظی: عزم روحانی کاهش نمی‌یابد

این رویه که تمام رؤسای جمهور قبلی را با نظام دارای زاویه نشان دهند، به سود چه کسی است؟ آیا گمان نمی‌کنند این حذف و طرد حتی به خود آن‌ها هم می‌رسد؟ کسی که ۱۶ سال نماینده رهبر معظم انقلاب در شورایی امنیت ملی، دو دوره رئیس جمهور و رئیس شورایی امنیت ملی و سه دوره عضو مجلس خبرگان رهبری و پنج دوره نماینده مجلس شورای اسلامی بوده، به کدام ادله صلاحیتش برای انتخابات خبرگان تأیید نمی‌شود؟ چه اتفاقی افتاده که نماینده سه دوره مجلس خبرگان برای ادامه حضور در این مجلس یکبارۀ فاقد صلاحیت تشخیص داده می‌شود؟ آیا مردم می‌پذیرند که دلیل آن غیرسیاسی است؟ آن‌ها می‌دانند رذصلاحت دکتر روحانی، عزم او را برای تقویت نهاد انتخابات کاهش نخواهد داد. مشروعیت، مقبولیت و قدرت جمهوری اسلامی وابسته به مردم است و طرفداران حقیقی انقلاب و نظام اجازه انحراف از این اصل بنیادین را نخواهند داد. / مصاحبه با جماران

▼ عباس عبدی: رد صلاحیت با احتمالات آینده

در نقد رذصلاحت روحانی، به گذشته او اشاره می‌شود، ولی چنین فهمیده می‌شود که رذصلاحت‌ها مربوط به احتمالات آینده است و ربطی به گذشته ندارد. روحانی: معتقدم باید در انتخابات شرکت کرد، اگرچه خودم رازد کرده باشم. به نظر می‌رسد که این جمله نوعی ناسزا به رذصلاحت‌کنندگان است. / توئیتر

▼ علی باقری: به صف مبارزه خوش آمدید

حسن روحانی با گذر از عاقبت خوبی و تنزه طلبی و قدم گذاشتن در مسیر سیاست‌ورزی اصلاح‌جویانه قانونی و تدریجی، پس از رذصلاحت، جایگاه، نقش و صلاحیتی فراتر از گذشته یافت. آقای روحانی! به صف مبارزه مدنی و قانونی برای احقاق حقوق ملت و توسعه کشور خوش آمدید! / توئیتر

▼ سعید شریعتی: مخزن الاسرار نظام

هیچ کس نمی‌تواند از رذصلاحت مخزن الاسرار جمهوری اسلامی خرسند باشد جز کسانی که منافع‌شان در پایان جمهوری اسلامی است. / توئیتر

▼ حسین شریعتمداری: ۹۶ باید رد می‌شد

صرف نظر از دلایل رذصلاحت ایشان از سوی شورای نگهبان، باید گفت کارنامه آقای روحانی در جریان دو دوره ریاست جمهوری وی پیش روی مردم است و می‌تواند ملاک و معیار خالی از ابهامی درباره میزان صلاحیت ایشان باشد. آقای روحانی بی‌آن که بفرمایند منظورشان از مردم چه کسانی هستند، ادعا می‌کند که مردم از رذصلاحت ایشان نگرانند و حال آن‌که توده‌های عظیم مردم از تأیید صلاحیت ایشان برای دور دوم انتخابات متعجب بوده و گلابه داشتند که با توجه به عملکرد و مواضع آقای روحانی در دور اول ریاست جمهوری، چرا شورای نگهبان برای بار دوم نیز صلاحیت ایشان را تأیید کرده است؟! / مصاحبه با خبرگزاری فارس

▼ منتجب‌نیا: رذصلاحت ۸ سال ریاست جمهوری

اگر از نظر سیاسی هم بررسی کنیم، رذصلاحت کسی که در نظام مسئولیت داشته، آن هم در این سطح و ۸ سال رئیس جمهور کشور، چند دوره نماینده مجلس، جانشین فرمانده جنگ و... بوده و چنین امتیازهایی داشته، هزینه بسیار سنگینی برای نظام دارد. آقای روحانی بعد از مرحوم هاشمی در جنگ تحمیلی، در مجلس و عرصه‌های مختلف پیش و پس از انقلاب نقش مؤثری داشته است اما برای عضویت مجلس خبرگان او را صلاح ندانستند و از نظر من این رذصلاحت به معنای رذصلاحت ۸ سال ریاست جمهوری اوست که خود آقایان تأییدش کرده بودند، رذصلاحت او به معنای رذصلاحت مسئولیت‌های پیشین اوست که هزینه‌های زیادی هم در عرصه بین‌المللی دارد و قضاوت بدی در خارج می‌شویم. / مصاحبه با خبرآنلاین

▼ قدیری ایبانه: زمینه محاکمه فراهم کنید

اولاً تئوریک می‌گویم به شورای نگهبان که آقای روحانی را رذصلاحت کرد و مردم را از نگرانی درآورد هر چند حتی اگر تأیید صلاحیت می‌شد، او شانس برای رای آوردن نداشت. با پایان یافتن دوره حضور روحانی در خبرگان رهبری و تمام شدن مصونیت قضایی او، زمینه برای محاکمه‌اش نیز فراهم می‌شود. مرحله بعد از محاکمه نیز خلع لباس روحانی به خاطر خیانت‌هایی است که به ایران کرده است. دستگاه‌های امنیتی باید اعلام کنند که آیا حسن روحانی تابعیت دوگانه دارد یا نه؟ / مصاحبه با ساعدنیوز

ادامه یادداشت سردبیر

«اقلیت حاکم» می‌خواند، با «نظام و رهبری» باید تفاوت قائل شد و بر همین مبنا نیز بود که راهبرد سیاسی میانه‌روها در شرایط امروز ایران را «احیای قانون اساسی و بازگشت به آن» دانست.

▼ سطح میانه: خبرگان خالص

در سطح میانه تحلیل که متوجه نهادها و ساختارهای سیاسی موجود است، رذصلاحت روحانی از منظر ارتباط و تأثیر آن بر دوره آینده مجلس خبرگان محل بحث قرار می‌گیرد. در این سطح، صریح‌ترین گفتار را شخص روحانی در اولین سخنرانی‌اش پس از ثبت‌نام در انتخابات خبرگان رهبری ایراد کرد. آنجا که گفت: «از خداوند برای مقام معظم رهبری عمر طولانی توأم با توفیق بیشتر را طلب می‌کنیم، ولی هر چه زمان بگذرد احتمال آن روز مبادا بیشتر می‌شود که خبرگان بخواهد وارد بحث انتخاب ولی‌فقیه شود. در ذهن خودم خیلی بالا پایین کردم که بروم ثبت‌نام کنم یا نه، گفتم اگر به‌عنوان یک نفر در خبرگان احتمال دهم که تأثیرگذار هستم، برای آینده و امروز اقدامی نکنم، مسئولم. مگر اینکه یقین داشته باشم که هیچ کاری از من ساخته نیست. من بر مبنای این تکلیف ثبت‌نام کردم. با دوستان هم مشورت کردم و تعداد معتناهایی معتقد بودند که باید ثبت‌نام کنم». به بیان دیگر، روحانی در این بخش نیز احساس می‌کرد می‌تواند در زمان ضرورت، نقشی مشابه هاشمی‌رفسنجانی را ایفا کند. اگر پس از رذصلاحت، برخی ناظران تصور می‌کنند روحانی می‌تواند نقشی برانگیزاننده در سطح هاشمی‌رفسنجانی ۱۳۹۲ را ایفا کند و بدنه اجتماعی را جهت رای اعتراضی یا ایجابی در انتخابات خبرگان و مجلس بسیج کند؛ اما در سطح دوم تحلیل و از منظر اهمیت مجلس خبرگان، روحانی انتظار داشت بتواند نقشی مشابه هاشمی‌رفسنجانی خرداد ۱۳۶۸ را ایفا کند و بدرغم اقلیت بودن در خبرگان، بتواند بر تصمیم دیگران و حتی مخالفان سیاسی خود تأثیر بگذارد. در واقع، بسیاری از ناظران نیز تصور می‌کنند اصلی‌ترین عامل رذصلاحت روحانی، همین نگرانی از نقش آفرینی احتمالی او در تحولات آتی و تأثیرگذاری بر روند و معادلات جانشینی است. احتمالی که هر چند اندک و دور از ذهن هم نباشد، چنان اهمیت بالایی دارد که طراحان پروژه آینده سیاسی ایران را و می‌دارد، از کنار آن نگذرند و پیش از آنکه چشمه پر شود، سر آن را با بیل ببندند. به عبارت صریح‌تر، بستن راه روحانی در خبرگان، معنایی جز گشودن راه برای دیگران در تحولات آتی ایران ندارد.

▼ سطح کلان: به حاشیه راندن روحانیت

اما رذصلاحت روحانی، در سطحی کلان‌تر و از منظر جامعه‌شناسی سیاسی تحولات ایران نیز واجد معنا و پیام‌های مهم و احتمالاً، ماندگاری است. در این سطح تحلیل کلان، حذف چهره‌هایی چون حسن روحانی که از پیش‌قراولان انقلاب و چهره‌های سیاستمدار عضو جامعه روحانیت مبارز و دارای ارتباط و انتساب بسیار نزدیک با عالی‌ترین سطح نظام سیاسی شناخته می‌شوند، فراتر از شخص روحانی و یا تأثیری که چهره‌هایی چون او در تحولات سیاسی یا خبرگان آتی می‌توانند برجای گذارند، موضوع بررسی قرار می‌گیرد. از این منظر، رذصلاحت روحانی (و پیش از او، نیروهای ریشه‌دار دیگری در روحانیت سنتی و سابقه‌داران انقلابی همچون هاشمی‌رفسنجانی، ناطق‌نوری، علی‌لاریجانی و...) نماد بارزی از افول موقعیت روحانیت و نیروی سنت در مناسبات سیاسی امروز ایران تلقی می‌شود. مناسباتی که در آن، ساخت قدرت در میان سه نیروی اصلی «سنت»، «مدرن» و «بنیادگرا» به دلایل مختلف و از پس روند طولانی تحولات و اتفاقات، به جایی رسیده که تکیه‌گاه اصلی خود را بنیادگرایان قرار داده است و به‌تدریج، به سمت ساختاری تک‌پایه در حال حرکت است که در میان سه نیروی اجتماعی-سیاسی اصلی، صرفاً به بنیادگرایان تکیه می‌کند. در چنین روندی است که به حاشیه راندن روحانیت و نیروهای سنتی نیز، همچون به حاشیه راندن نیروهای مدرن و سکولار اتفاقی طبیعی و بدیهی تصویر و تصور می‌شود.

▼ سطح میانه: خبرگان خالص

در سطح میانه تحلیل که متوجه نهادها و ساختارهای سیاسی موجود است، رذصلاحت روحانی از منظر ارتباط و تأثیر آن بر دوره آینده مجلس خبرگان محل بحث قرار می‌گیرد. در این سطح، صریح‌ترین گفتار را شخص روحانی در اولین سخنرانی‌اش پس از ثبت‌نام در انتخابات خبرگان رهبری ایراد کرد. آنجا که گفت: «از خداوند برای مقام معظم رهبری عمر طولانی توأم با توفیق بیشتر را طلب می‌کنیم، ولی هر چه زمان بگذرد احتمال آن روز مبادا بیشتر می‌شود که خبرگان بخواهد وارد بحث انتخاب ولی‌فقیه شود. در ذهن خودم خیلی بالا پایین کردم که بروم ثبت‌نام کنم یا نه، گفتم اگر به‌عنوان یک نفر در خبرگان احتمال دهم که تأثیرگذار هستم، برای آینده و امروز اقدامی نکنم، مسئولم. مگر اینکه یقین داشته باشم که هیچ کاری از من ساخته نیست. من بر مبنای این تکلیف ثبت‌نام کردم. با دوستان هم مشورت کردم و تعداد معتناهایی معتقد بودند که باید ثبت‌نام کنم». به بیان دیگر، روحانی در این بخش نیز احساس می‌کرد می‌تواند در زمان ضرورت، نقشی مشابه هاشمی‌رفسنجانی را ایفا کند. اگر پس از رذصلاحت، برخی ناظران تصور می‌کنند روحانی می‌تواند نقشی برانگیزاننده در سطح هاشمی‌رفسنجانی ۱۳۹۲ را ایفا کند و بدنه اجتماعی را جهت رای اعتراضی یا ایجابی در انتخابات خبرگان و مجلس بسیج کند؛ اما در سطح دوم تحلیل و از منظر اهمیت مجلس خبرگان، روحانی انتظار داشت بتواند نقشی مشابه هاشمی‌رفسنجانی خرداد ۱۳۶۸ را ایفا کند و بدرغم اقلیت بودن در خبرگان، بتواند بر تصمیم دیگران و حتی مخالفان سیاسی خود تأثیر بگذارد. در واقع، بسیاری از ناظران نیز تصور می‌کنند اصلی‌ترین عامل رذصلاحت روحانی، همین نگرانی از نقش آفرینی احتمالی او در تحولات آتی و تأثیرگذاری بر روند و معادلات جانشینی است. احتمالی که هر چند اندک و دور از ذهن هم نباشد، چنان اهمیت بالایی دارد که طراحان پروژه آینده سیاسی ایران را و می‌دارد، از کنار آن نگذرند و پیش از آنکه چشمه پر شود، سر آن را با بیل ببندند. به عبارت صریح‌تر، بستن راه روحانی در خبرگان، معنایی جز گشودن راه برای دیگران در تحولات آتی ایران ندارد.

ثانیاً، فضای انتخابات سال ۱۳۹۲ که انتخابات ریاست جمهوری بود و به‌ویژه مناظره‌های صریح بین نامزدها، با انتخابات پیش رو (مجلس دوازدهم و خبرگان ششم) چندان قابل مقایسه نیست و به طور طبیعی، این انتخابات ریاست جمهوری است که ظرفیت دوقطبی شدن و برانگیختن رای‌دهندگان را دارد؛ ظرفیتی که در سایر انتخابات‌ها (مجلس، خبرگان و شوراها) بسیار کمتر و محدودتر است و مشابهت‌سازی میان آنان به‌نوعی، قیاس مع‌الفارق محسوب می‌شود. ثالثاً، موقعیت و محبوبیت حسن روحانی در زمستان ۱۴۰۲ در حد و اندازه هاشمی‌رفسنجانی در بهار ۱۳۹۲ نیست. گرچه به نظر می‌رسد عملکرد دولت سیزدهم، تا حدی وجهه و موقعیت سیاسی روحانی را نسبت به دو سال آخر ریاست جمهوری‌اش بهبود بخشیده است؛ اما هنوز او از چنان اعتبار و موقعیتی در بدنه اجتماعی و رای‌دهندگان سابق خود برخوردار نیست که بتواند موحی در این فضای سرد انتخاباتی بیافریند؛ چنان که هاشمی در بهار ۱۳۹۲ آفرید. به‌نوعی، موقعیت کنونی روحانی مشابه انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری (۱۳۸۴) است که گرچه بخش مهمی از احزاب و نخبگان مخالف او در انتخابات مجلس ششم (۱۳۷۸) انگیزه یافتند و برای جلوگیری از پیروزی احمدی‌نژاد به حمایت از هاشمی برخاستند، اما همچنان اقتدر آرای منفی در بدنه اجتماعی داشت که حرکت سیاسی آنان بی‌نتیجه ماند و هاشمی راهی جز شکست در مرحله دوم انتخابات نیافت.

اما در کنار گمانه اول، دیگر گمانه‌ای که درباره تأثیر و پیامد رذصلاحت بر موقعیت سیاسی روحانی می‌توان زد، این است که این اتفاق، نه‌تنها چندان آورده مثبتی برای او ندارد؛ بلکه می‌تواند به‌نوعی نقطه پایانی بر زندگی سیاسی او (در صورت تداوم روند موجود در ساخت سیاسی) باشد. از این منظر، روحانی شخصیت سیاسی متفاوت و متمایزی از حاشیه‌نشینان نامداری چون سیدمحمد خاتمی، علی‌اکبر ناطق‌نوری و حتی هاشمی‌رفسنجانی است. روحانی در قیاس با این شخصیت‌ها، وجهه سیاسی-امنیتی بسیار پرزنگی دارد و عملاً، برگ برنده او در دنیای سیاست، انتساب و اتصال به نهاد‌های عالی نظام و شخص رهبری است. موقعیتی که تا پیش از دوران ریاست جمهوری‌اش از آن برخوردار بود و حتی روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد که مدام بر دوران مسئولیت روحانی و دیپلمات‌هایش در پرونده هسته‌های ایران می‌تاخت؛ چندان این انتساب و اتصال را کم‌رنگ نساخت، واکنش اخیر رادیکال‌هایی چون حسین شریعتمداری به رذصلاحت روحانی و طرح این ادعا که او در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم (۱۳۹۶) نیز باید رذصلاحت می‌شد؛ نوعی تأیید شنیده‌ها و گزارش‌های غیررسمی در همان زمان است که خبر می‌داد تأیید صلاحیت روحانی در دوره دوم ریاست جمهوری‌اش با تصمیم عالی‌ترین سطوح نظام سیاسی و برخلاف خواست شورای نگهبان و نیروهای رادیکال خالص‌ساز صورت گرفته است. با چنین پیش‌زمینه تاریخی است که طیفی از ناظران، به پیامدهای رذصلاحت روحانی چندان خوشبین نیستند و این رخداد را نشانه‌ای از گسست کامل و قطعی او از ساختار سیاسی تلقی می‌کنند که جز در صورت تغییر جدی در معادلات کلان قدرت، بعید است به شرایط و روابط سابق بازگردد. ضمن آنکه (چنان که گفته شد)، روحانی پایگاه جدی اجتماعی (همچون خاتمی) و یا پایگاه جدی سنتی (همچون ناطق‌نوری) و یا پایگاه جدی تاریخی (در حد هاشمی‌رفسنجانی) ندارد که او را در موقعیت سیاسی جدید، از ارتباط و پیوند با سطوح عالی ساختار سیاسی بی‌نیاز کند و یک‌شبه، تصویر او به‌عنوان مقامی حکومتی به چهره‌ای با مثنی مدنی و انتقادی در جامعه سیاسی ایران تغییر کند. ضمن آنکه چنین تغییری، آورده چندانی هم برای روحانی ندارد و در بهترین حالت، او را در خارج ساخت قدرت همسایه و هم‌نشین خاتمی و ناطق‌نوری و سیدحسن خمینی می‌کند. چنین ترکیبی شاید از جهت به چالش کشیدن وزن جریان حاکم مفید باشد؛ اما در واقعیت سیاسی و با توجه به رخداد‌های کلیدی سال‌های آتی، چندان کارکردی نه برای خود این شخصیت‌ها و نه بدنه اجتماعی مخالف خالص‌سازان و تندروها نخواهد داشت. با چنین نگاهی، انتظار می‌رود حسن روحانی در عین حال که مواضع انتقادی خود را در قبال جریان حاکم حفظ و تقویت می‌کند؛ در عین حال، بکوشد اتصال و ارتباط خود را با کلیت نظام و شخص رهبری احیا و تقویت کند. روحانی البته خود نیز به اهمیت و ضرورت اتخاذ چنین راهبردی واقف است. چنان‌که در همین بیانیه اخیر، میان شوری نگهبان و رذصلاحت‌کنندگان با رهبری مرزبندی می‌کند. همچنین، او در دیدار اخیرش با جمعی از روزنامه‌نگاران تأکید کرد که بین جریانی که آن را



رئیس بدون رقیب

موسی سلیمی، دبیر ستاد انتخابات استان خراسان جنوبی درباره نتایج بررسی صلاحیت‌ها برای انتخابات مجلس خبرگان رهبری گفت: «طبق نتایج اعلام‌شده از سوی شورای نگهبان، از مجموع پنج نفر ثبت‌نام‌کننده انتخابات مجلس خبرگان رهبری در حوزه استان خراسان جنوبی، صلاحیت یک نفر (ابراهیم رئیسی) تأیید شده است.»

مقابله با تهدیدات گوناگون، تنها انسجام و مشارکت مردم است که امنیت و پیشرفت کشور را تضمین می‌کند؟ آیا شما مصلحت‌نظام را بهتر از مردم و رهبری تشخیص می‌دهید که مشارکت و رقابت را برای یک انتخابات حداکثری لازم می‌دانند؟

باید پرسید آیا این رویه حذف و طرد خادمان مردم و افراد شاخصی که مورد اعتماد مردمند، اعتماد مردم به نظام را بالا می‌برد یا به اعتماد عمومی ضربه می‌زند؟ آیا سرمایه اجتماعی کشور و نظام با این محدودیت‌ها و رذصلاحت‌ها افزایش می‌یابد و جوانان را به آینده کشور و نقش آفرینی در سرنوشت خود، امیدوارتر می‌کند یا آنان را از اصلاح امور کشور مأیوس می‌کند؟ بدیهی است اینگونه اقدامات خودسرانه که با استناد به نظارت استصوابی و تفسیر ناصحیح و سلیقه‌ای از قانون اساسی صورت می‌گیرد، نه‌تنها اراده اینجان را در ادامه راه دفاع از حقوق ملت و ایران عزیز و نظام جمهوری اسلامی سست نخواهد کرد بلکه با افتخار اعلام می‌دارم همچنان که در دوران سخت دفاع مقدس و بحران‌های مختلف داخلی و خارجی که دامنگیر کشور بوده است، همواره در راه اعتلاء و سرپلندی کشور و ملت ایران به‌طور خستگی‌ناپذیر تلاش کرده‌ام به پیمان خود با ملت وفادار بوده و تا پایان عمر همچنان به‌عنوان خادم ملت در کنار مردم صبور و شریف ایران خواهم بود و عمیقاً اعتقاد دارم که تنها راه رهایی کشور از تنگنای کنونی و تحقق آرمان‌های انقلاب در دستیابی به توسعه و تحکیم ارزش‌های اخلاقی، تکیه بر آراء مردم، حفظ وحدت ملی، تعامل سازنده با جهان و همسایگان و تغییر رویکرد حکمرانی در جهت تأمین منافع ملی کشور است.

پروردگارا، ما از این که دسترنج این انقلاب عظیم اسلامی، که خون و آبروی عزیزترین سرمایه‌های این ملت برای آن ریخته شده است، این چنین بر باد می‌رود، رنجیده خاطریم. قرار بود در این نظام، خود این مردم، سرنوشت خود را تعیین کنند نه آن که اقلیتی چندنفره انتخاب آنان را به آنان دیکته کنند. این اسلامی نبود که به مردم معرفی شده بود و این امانتی نیست که مردم به پیش جان و جوانی دادند.

خدایا تو بارها در لحظه‌های خطر تأییدات را به این مردم ارزانی داشته‌ای. اکنون نیز دادرس این مردم نجیب و صبور و قهرمان باش. خدایا این ملت را از آسیب انحصارطلبان و حاسدان و متملقان و تفرقه‌افکنان مصون بدار. خدایا صلح و عدل و آزادی و آبادی را به کشور ارزانی دار. پروردگارا میهن‌مان را از دشمن و خشکسالی و دروغ در امان نگاهدار.

حسن روحانی ۱۴۰۲/۱۱/۰۴